

چاپ سوم
بازنگاریات



شہادتِ محمدیہ

(عجل اللہ تعالیٰ فرجہ)

سیرۃ حکومتی امام زمان

آیت اللہ العظمیٰ
سید صادق شیرازی
دام ظلہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتَى
إِنَّ رَبَّهُ لَسَدِيدٌ
إِلَىٰ عَرْشِهِ الرَّحِيمُ
الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ
تُحْمَلُهُ السَّحَابُ فَتَنزِلُ
مِنْهُمُ الْمَاءَ فَتُخْرِجُ
بِهِمُ الْغُلَّةَ الْخَلْقِ إِنَّ
رَبَّهُمْ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
اللَّهُ أَكْبَرُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

شمیم رحمت

آیة الله العظمی

سیدصادق حسینی شیرازی (دام ظلہ)

شناسنامه کتاب

* نام کتاب: شمیم رحمت؛

سیره حکومتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)

* صفحه آرا: سجاد ناصری

* ناشر: یاس زهرا علیها السلام

* نوبت چاپ و تاریخ: سوم - مهر ۱۳۸۳

* تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

* لیتوگرافی و چاپ: نینوا - قم - ۰۹۱۲۳۵۱۰۵۰۰

قیمت: ۲۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۱۸۵-۱۷-۴

کلیه حقوق طبع و نشر برای بنیاد جهانی

آیت الله العظمی شیرازی محفوظ است.

www.iswf.net

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	ضرورت شناخت حضرت امام مهدی عجل الله فرجه
۱۳	روش امام مهدی عجل الله فرجه در تشکیل حکومت
۱۴	روایات دروغین و محمد بن علی کوفی
۲۴	نیرنگ دشمن
۲۸	اشکالات دلالی
۳۰	روایات صحیح
۳۶	تعارض روایات
۳۹	وحدت رویه و روش امام مهدی و رسول خدا ﷺ
۴۴	رفتار پیامبر ﷺ و امیر المؤمنین علی با مخالفان خود
۴۷	روایاتی در این باره
۵۴	سیره سیاسی امام مهدی عجل الله فرجه

سیره قضایی حضرت مهدی عجل الله فرجه ۶۰

نامه‌ای از امام زمان به شیخ مفید

شیخ مفید ۶۸

مقام شیخ مفید نزد امام زمان عجل الله فرجه ۷۲

شیخ مفید و دریافت نامه امام زمان عجل الله فرجه ۷۵

نامه امام زمان عجل الله فرجه به شیخ مفید ۷۷

امیر مؤمنان علیه السلام مقتدای شیخ مفید ۸۱

وظیفه ما ۸۳

انجام وظیفه شیخ مفید ۸۴

فضل عالم بر عابد ۸۶

مقدمه

جزوه حاضر بخشی از دیدگاههای مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی سید صادق شیرازی است که طی چند سخنرانی در جمع علما و طلاب بیان کرده‌اند. این سخنرانیها دریچه تازه‌ای پیش روی خوانندگان می‌گشاید و آنان را با زاویه جدیدی از سیره امام زمان عجل الله فرجه و دولت ایشان آشنا می‌کند.

در نظر آیت الله شیرازی امام مهدی عجل الله فرجه آینه تمام‌نمایی از شخصیت فردی و سیره و سلوک اجتماعی و سیاسی رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام است و خواهد آمد تا سنت از میان رفته آنان را احیاء کنند و روش زمام‌داری و شریعت‌مداری‌شان را تجدید نمایند. ایشان بر این اساس با تأکید فراوان، به نقد دیدگاههایی می‌پردازد که امام مهدی عجل الله فرجه را مرد خون‌و

شمشیر و کشتار معرفی می‌کند و صفت بارز او را انتقام‌گشی و نسل‌گشی می‌دانند.

البته او ریشه‌ ظهور و بروز چنین داوریهایی را در روایاتی جستجو می‌کند که در مقابل روایات معتبر، فاقد اعتبار است. بدین سبب ایشان توجه عمده خویش را معطوف نقد و بررسی دلالتی و سندی این روایات می‌کند و با ارایه‌ی تحلیلی علمی و کارشناسانه نتیجه می‌گیرد که عموم آنها مخدوش و بی‌اعتبار است و قابل استناد نیست.

بخش پایانی این دفتر به بیان وظیفه شیعیان نسبت به امام زمان عجل الله فرجه اختصاص یافته است. آیت الله شیرازی با تبیین دو مفهوم «وظیفه» و «خواست» یادآور شده‌اند که اگر شیعیان، به ویژه طلاب به وظیفه خود نسبت به انجام واجبات و ترک محرمات عمل کنند، طبعاً مورد لطف و عنایت آن حضرت عجل الله فرجه قرار گرفته، همچون شیخ مفید مشمول دعای آن بزرگوار واقع خواهند شد.

گروه ترجمه آثار آیه الله العظمی شیرازی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ضرورت شناخت حضرت امام مهدی عجل الله فرجه

یکی از وظایف و تکالیف عمومی همه مسلمانان آن است که اول باید امام زمان خویش را بشناسند و آن گاه به اطاعت از او پردازند. از مهمترین دلایل نقلی این وظیفه و تکلیف، یکی روایت مشهور و متواتر:

من مات و لم يعرف امام زمانه،

مات میتة جاهلیة.

است. به موجب این حدیث، کسانی که بدون شناخت امام زمان خود، از دنیا بروند، چنان است که به مرگ جاهلیت مرده باشند و هیچ رابطه و نسبتی با اسلام و آیین مسلمانی ندارند.

این حدیث از احادیث بسیار معتبر است و شیعه و اهل سنت بر

تواتر آن تصریح کرده‌اند. از میان علمای شیعه شیخ مفید از افرادی است که در این باره می‌گوید:

این حدیث به صورت متواتر از

پیامبر ﷺ روایت شده است. (۱)

ایشان همچنین در رساله دیگری با عنوان الرسالة الأولى

في الغيبة می‌نویسد:

حدیث «من مات و هو لا يعرف إمام زمانه مات

میتة جاهلیة» روایت صحیحه است و اجماع اهل آثار بر

آن گواهی می‌دهد. (۲)

و در میان علمای اهل سنت می‌توانیم از «سلیمان بن ابراهیم

قندوزی حنفی» نام ببریم که صریحاً اظهار داشته است:

حدیث «من مات و لم يعرف إمام زمانه مات

۱. الإفصاح، ص ۳۸.

۲. الرسالة الأولى في الغيبة (ضمیمه مصنفات شیخ مفید، ج ۷) ص ۱۲.

ضرورت شناخت حضرت امام مهدی عجل الله فرجه ❖ ۱۱

میتة جاهلیة» مورد اتفاق علمای خاصه و عامه است. (۱)

اینکه رسول خدا ﷺ عدم معرفت امام زمان را در ردیف شرک و الحاد و کفر خوانده‌اند، از آن رو است که انسان وقتی امام حقیقی و واقعی‌اش را نشناخت، راه را گم می‌کند و از صراط مستقیم منحرف شده و در نتیجه، هر چه بیشتر پیش برود بیشتر از هدف دور می‌شود.

پس برای آن که دچار کژ راهه‌ها نشویم و راه را گم نکنیم، در درجه نخست باید بکوشیم که امام زمان خود را بشناسیم و امام زمان ما، کسی جز امام مهدی حجة بن الحسن عجل الله فرجه نیست. او مصداق منحصر به فرد امام مفترض الطاعة می‌باشد که به اذن و امر خدا زنده است و شاهد و ناظر اعمال و رفتار عموم مردم، به ویژه شیعیان، و بالآخرص علما و طلاب است.

متأسفانه عدم شناخت صحیح و درست امام زمان عجل الله فرجه و

آشنا نبودن با سلوک فردی و اجتماعی آن بزرگوار، عده‌ای را به گمانه زنی واداشته و آنان آگاهانه یا از روی جهل، اتهاماتی را به ساحت مقدس ایشان روا می‌دارند که حتی از ساحت یک انسان معمولی نیز به دور است، تا چه رسد به آن بزرگوار.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این اتهامات را به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته از آنها درباره‌ی روش آن حضرت *عجل الله فرجه* در چگونگی تشکیل حکومت است؛ و دسته‌ای دیگر راجع به سیره و شیوه‌ی زمامداری آن حضرت در دوران پس از ظهور و حاکمیت یافتن بر جهان.

روش امام مهدی عجل الله فرجه در تشکیل حکومت

سوگمندانۀ ذهنیت رایج مسلمانان آن است که حضرت امام مهدی عجل الله فرجه با چهره‌ای خشن ظهور می‌کند و با تکیه بر شمشیر و قتل و کشتارِ مخالفان خود، موفق به تشکیل حکومت و کسب قدرت می‌شود. این ذهنیت ریشه در روایاتی دارد که در این خصوص موجود است و در کتاب‌ها نوشته می‌شود و بر روی منبرها برای مردم بازگو می‌گردد. به موجب پاره‌ای از این روایات حضرت مهدی عجل الله فرجه به هنگام ظهور، چنان با خشونت و درشتی با مردم رفتار می‌کنند که اکثریت آنان آرزو می‌کنند که کاش هرگز او را نبینند و عده‌ی زیادی از آنان نیز در نسب او دچار تردید شده، او را از آل محمد علیهم السلام نمی‌دانند.

روایات دروغین و محمد بن علی کوفی

تعداد این روایات به بیش از پنجاه مورد می‌رسد. از این تعداد، سند بالغ بر سی مورد از آنها به شخصی به نام محمد بن علی کوفی، می‌رسد که فردی بدنام و دروغگو است و تمام علمای رجال بر بی‌اعتباری روایات او حکم کرده‌اند. این شخص، در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می‌زیسته و از معاصران جناب «فضل بن شاذان» بوده است. فضل بن شاذان از اعظام روات و بزرگان شیعه است که هیچ شکی در جلالت و قدر و منزلت وی وجود ندارد، تا جایی که امام حسن عسکری علیه السلام در مدح و توصیف او می‌فرماید:

أغبط اهل خراسان لمكان الفضل وكونه بين
أظهرهم؛ من غبطة مردم خراسان را می‌خورم که کسی

چون فضل دارند^(۱).

حال ملاحظه نمایید که فضل بن شاذانِ مورد عنایت امام
عسکری علیه السلام، در وصف محمد بن علی کوفی می‌گوید:

رجلٌ کذاب؛ او مردی بسیار دروغگوست.

هم ایشان در جایی دیگر اظهار داشته است:

کدت أقنت علیه؛ نزدیک بود در قنوت نماز لعن و

تفرینش کنم^(۲).

اکنون به چند نمونه از این دست روایات اشاره می‌کنیم:

نمونه اول: این روایت بیش از یک صفحه از بحار الانوار را به خود

اختصاص داده است و خلاصه این روایت چنین است:

حضرت مهدی عجل الله فرجه پس از ظهور، عده‌ای از

مسلمانان را مورد تعقیب قرار می‌دهند، آنان نیز فرار کرده

۱. رجال کشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۵۴۲؛ رجال ابن داوود، ص ۱۵۱؛

معالم العلماء، ص ۹۰.

رجال کشی، ص ۵۴۶.

و به سرزمین روم پناهنده می‌شوند و از پادشاه آن
 می‌خواهند که آنان را بپذیرد، پادشاه به آنان می‌گوید: اگر
 می‌خواهید به شما پناه دهیم، باید مسیحی شوید و صلیب
 برگردن بیاویزید.... این گروه نیز از ترس امام زمان قبول
 می‌کنند...؛ حضرت مهدی کسانی را به سوی رومیان
 می‌فرستد و از آنان می‌خواهد که این مسلمانان را اخراج
 نمایند. رومیان می‌گویند اینان کسانی‌اند که با میل خود به
 دین ما گرویده‌اند و از دین شما روی برگردانده‌اند. امام
 بدانان هشدار می‌دهد که در غیر این صورت حاکم میان ما
 و شما شمشیر است....

حضرت این مسلمانهای فراری را از چنگ نصرانیها
 بیرون می‌آورد، مردان آنها را می‌کشد و شکم زنان
 باردارشان را پاره می‌کند^(۱).

باید دانست که امام زمان عجل الله فرجه دارای مقام امامت هستند و بهتر از هر کسی احکام اسلام را می‌شناسند. در دین اسلام اگر زن بارداری مرتکب جنایتی گردد و حدّ بر او واجب شود، به عنوان مثال اگر زنا دهد و چهار شاهد عادل بر زنا دادن او شهادت دهند - آن هم با این شروط تعجیزی اسلام، که جداً حصول آنها مشکل است؛ چرا که هیچ شخصی در ملاعام زنا نمی‌دهد، مگر کسی که بسیار هتاک باشد - اما با این حال اگر ثابت شد زن بارداری زنا داده است و بنا شد که او را حدّ بزنند، مادامی که این زن باردار است جاری کردن حدّ بر او حرام است و باید تا وضع حمل صبر کرده، بعد حدّ را بر او جاری سازند، اگرچه آن بیچه از زنا باشد؛ آن وقت آیا حضرت ولی عصر عجل الله فرجه شکم زن باردار را پاره می‌کنند؟! آیا این روایت جعل و دروغ نیست؟

نمونه دوم: روایتی است که با این سند ذکر شده است:

عن علی بن الحسین^(۱) عن محمد العطار، عن محمد بن الحسن الرازی (مجهول الهویة)، عن محمد بن علی الكوفی، عن البنزطی، عن ابن بکیر، عن ابيه، عن زرارہ عن أبی جعفر^(ع): ... قلت أیسیر (الحجة) بسيرة محمد^(ص)؟ فقال: «هيات هيات، يا زرارہ ما یسیر بسيرته. قلتُ جعلت فداك لِمَ؟ قال: إنَّ رسول الله سار في أُمته باللين، كان يتألف الناس والقائم^(ع) یسیر بالقتل ...»

آیا مهدی، بر طبق روش رسول خدا^(ص) عمل خواهد کرد؟ فرمود: هرگز، رسول خدا^(ص) با نرمی و مهر و آلفت با امتش رفتار می کرد، در صورتی که سیره

مهدی، قتل و کشتار است^(۱).

این روایت علاوه بر آنکه ضعف سند دارد با روایات صحیح‌های که در مورد شباهت رفتار امام عصر عجل الله فرجه با رفتار پیامبر اکرم ﷺ وجود دارد در تعارض است.

نمونه سوم: در این روایت نیز همانند روایات قبلی، مسئله کشتار مطرح شده است و به نقل از امام صادق عليه السلام آمده است:

عن محمد بن علی الكوفی، عن البزنطی، عن العلاء
عن محمد: قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «لو يعلم
الناس ما يصنع القائم إذا خرج لأحبّ أكثرهم أن لا
يروه ممّا يقتل من الناس...»^(۲)؛ اگر مردم می‌دانستند
قائم (مهدی) پس از ظهور چه می‌کند، بیشتر آنها دوست

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳، حدیث ۱۰۹، از الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، ح ۱۱۳، از الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۳.

نداشتند او را ملاقات کنند؛ چرا که او بسیاری از مردم را خواهد کشت.

چنین سخنی از طرف یک آدم دروغگو به امام معصوم نسبت داده شده و به هیچ وجه قابل پذیرش نیست؛ چرا که انسان عاقل اگر سخن انسان دروغگویی را مبنی بر شراب خواری فلان مؤمن بشنود باور نخواهد کرد و به خود اجازه نقل این سخن را نخواهد داد چه برسد در مورد امام معصوم.

در ادامه این روایت آمده است:

... حتی يقول كثير من الناس ليس هذا من آل محمد، لو كان من آل محمد لرحم؛ تا آنجا که بسیاری از مردم می‌گویند: او از آل پیامبر ﷺ نیست؛ زیرا اگر از خاندان پیامبر بود بر آنان رحم می‌کرد.

این سخن در مورد کیست؟! آیا در مورد حجاج بن یوسف ثقفی نیز چنین سخنی گفته شده است؟!

نمونه چهارم: به دنبال روایت پیشین آمده است:

عن محمد بن علی الكوفی، عن البزنطی، عن عاصم

بن حمید الحناط، عن أبی بصیر قال، قال أبو جعفر عليه السلام:

... ليس شأنه إلا بالسيف لا يستيب أحداً؛

سر و کار مهدی جز با شمشیر نیست و توبه احدی را

هم نمی پذیرد ^(۱).

آیا سیره رسول الله صلى الله عليه وآله این گونه بوده است؟

نکته مهم این است که محمد بن علی کوفی کذاب، نوعاً روایات

خود را به افراد ثقه نسبت می داده تا روایاتش صحیح جلوه کند،

همان طور که در اینجا نام حناط (یکی از ثقات) در سلسله سند

آمده است.

نمونه پنجم: این روایت هم از محمد بن علی کوفی

با این سند نقل شده است:

عن محمد بن علی الكوفی عن الحسن بن محبوب عن علی بن ابی حمزة عن ابی بصیر عن ابی عبدالله عليه السلام أنه قال: ما تستعجلون بخروج القائم، فوالله... ما هو إلا السيف و الموت تحت ظلّ السيف؛^(۱) چرا برای ظهور قائم (امام زمان) عجله می‌کنید؟ بخدا قسم او آن شمشیر آخته‌ای است که از آن خون و مرگ می‌بارد.

نمونه ششم: روایت از علی بن ابی حمزة بطائنی، سر دسته فرقه واقفیه^(۲) است. او کسی است که معتقد است امام غایب همان امام

۱. الخرایج، ج ۳، ص ۱۱۵۵؛ الغیبة، طوسی، ص ۴۵۹، ذکر طرف من العلامات

الكائنة قبل الخروج؛ الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۳.

۲. «واقفیه» فرقه‌ای بودند که امامت امام رضا عليه السلام را قبول نکرده و در امامت امام

هفتم توقف کردند.

موسی بن جعفر علیه السلام است و اصلاً قائل به امام دوازدهم نیست. در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که پس از دفن این شخص فرمودند: نکیر و منکر چنان عمودی از آتش بر او زدند که تا روز قیامت قبرش آکنده از آتش است». یعنی الآن حدود هزار و دویست سال است که در قبرش می سوزد.

به هر حال روایت این است:

عن علي ابن أبي حمزة البطائني، عن أبي بصير، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «إذا خرج القائم لم يكن بينه وبين العرب و قریش إلا السيف ما يأخذ منها إلا السيف...»^(۱)؛

چون قائم بیاید، میان او و میان عرب و قریش، شمشیر حاکم است و بس، او نیز از عرب و قریش غیر از شمشیر

چیزی دریافت نمی‌کند».

اینها تنها چند نمونه از روایاتی است که در این زمینه وارد شده است.

صرف نظر از محمد بن علی کوفی، عده‌ای از راویان دیگر این روایات نیز به هیچ وجه مورد اعتبار نبوده و روایاتشان قابل پذیرش نیست.

نیرنگ دشمن

اصولاً یکی از برنامه‌های دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام جعل حدیث و تحریف احادیث و نسبت دادن آنها به ائمه طاهرین علیهم‌السلام بوده، تا معارف اسلام را تحریف کرده و آنگونه که خود می‌خواهند به مردم القا کنند؛ و دیگر اینکه با دادن چنین نسبت‌های ناروا به آن بزرگواران، آنان را از چشم مردم بیندازند، تا مردم به گرد آنان جمع نشوند.

این چنین نسبت‌های دروغ به ائمه اطهار علیهم‌السلام، بخصوص حضرت امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام بسیار بوده و خود ائمه علیهم‌السلام نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند، از جمله:

امام صادق علیه‌السلام درباره مغیره بن سعید که یکی از کسانی است که کارش جعل حدیث و تحریف احادیث است می‌فرمایند:

... فَإِنَّ الْمَغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ - لَعْنَهُ اللَّهُ - دَسَّ فِي

كُتُبِ اصْحَابِ أَبِي، أَحَادِيثَ لَمْ يَحْدُثْ بِهَا أَبِي؛

همانا مغیره بن سعید - که خدایش لعنت کند - روایاتی در

کتاب اصحاب پدرم (امام باقر علیه‌السلام) وارد کرد که پدرم هرگز

آنها را نفرموده بود^(۱).

همچنین یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: (زمانی که) در عراق

۱. مجمع رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۷۶، (به نقل از

بودم، در آنجا شماری از اصحاب امام باقر علیه السلام و همچنین جمع انبوهی از اصحاب امام صادق علیه السلام را دیدم. از آنان روایات فراوانی شنیدم و کتابهای آنان را [که روایاتشان را در آنها نوشته بودند] تحصیل کردم؛ (وقتی خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم) آنها را به ابوالحسن الرضا علیه السلام نشان دادم؛ حضرتش بسیاری از آن روایات را رد کردند و آنها را دروغ‌هایی شمردند که به امام صادق علیه السلام نسبت داده‌اند و به من فرمودند:

إِنَّ أبا الخطاب كذب على أبي عبد الله عليه السلام، لعن
الله أبا الخطاب، وكذلك أصحاب أبي الخطاب
يَدَسُّونَ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فِي كُتُبِ
أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام؛

خدا ابوالخطاب را لعنت کند، او بر امام صادق علیه السلام
دروغ می‌بست؛ همچنین اصحاب ابوالخطاب نیز تا به
امروز، روایات جعلی و دروغ را در کتب اصحاب امام

صادق علیه السلام وارد می‌کنند^(۱).

هشام بن الحکم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که
حضرت فرمودند:

كان المغيرة بن سعيد يتعمد الكذب على أبي
ويأخذ كتب أصحابه، وكان أصحابه المستترون
بأصحاب أبي يأخذون الكتب من أصحاب أبي،
فيدفعونها إلى المغيرة، فكان يدسّ فيها
الكفر والزندقة ويسندها إلى أبي، ثم يدفعها
إلى أصحابه...؛

مغيرة بن سعيد آگاهانه و از سر عمد بر پدرم دروغ
می‌بست [روایات دروغ به ایشان نسبت می‌داد]. او یارانی
داشت که در میان اصحاب پدرم رخنه کرده بودند، آنان

کتابهای اصحاب پدرم [که روایات را در آنها نوشته بودند] را [به امانت] می‌گرفتند و به مغیره می‌دادند، و او [مطالب] کفر و زندقه را در آن کتابها وارد می‌کرد و آنها را به پدرم نسبت می‌داد، آنگاه کتابها را به اصحاب پدرم باز می‌گرداند^(۱).

اشکالات دلالی

گذشته از اشکالات سندی، این دسته از روایات، از جهت دلالت نیز ناتمام‌اند و قابل پذیرش نیستند، زیرا مفاد بسیاری از آنها با ضروریات مذهب و شریعت در تعارض است و به هیچ عنوان نمی‌توان آنها را توجیه کرد.

اصولاً حضرت امام مهدی عجل الله فرجه می‌آیند که عدالت را

بیاورند و بساط جور و جفا و ظلم و ستم را برچینند. بنابراین امکان ندارد که بخواهند از راه ظلم به عدل برسند و یا از طریق ایجاد بدعت، سنت جدش حضرت محمد ﷺ و امیرالمؤمنین علی ﷺ را احیاء کنند. سنت رسول خدا ﷺ آن بود که اجازه نمی دادند هیچ زن بارداری را حد بزنند و یا قصاصش نمایند؛ ولی بر حسب آنچه محمد بن علی کوفی نقل کرده است، حضرت مهدی عجل الله فرجه شکم زنان بارداری را که از ترس و برای حفظ جان خود مسیحی شده‌اند پاره می‌کند!!

روایات صحیح

دلیل دیگر بر بی اعتباری این گونه روایات، احادیث صحیح و معتبری است که صریحاً روش حکومتی حضرت ولی عصر عجل الله فرجه را همان روش حکومتی رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان علیه السلام معرفی کرده است. چند نمونه از این روایات به شرح زیر است:

۱- در بحار الانوار، روایت موثق و حسنه‌ای ذکر شده است:

عن ابن عقدة، عن علی بن الحسن (ابن فضال)، عن

أبيه، عن رفاعه، عن عبدالله بن عطاء قال: سألت أبا جعفر

الباقر عليه السلام فقلت: إذا قام القائم عليه السلام بأي سيرة يسير في

الناس؟ فقال عليه السلام يهدم ما قبله كما صنع رسول

الله ﷺ ویستأنف الإسلام جدیداً؛^(۱)

راوی از امام باقر علیه السلام سؤال می‌کند: حضرت حجّت
عجل الله فرجه پس از ظهور، چه سیره و روشی در
حکومت خواهند داشت؟

امام پاسخ می‌دهند: درست مثل رسول خدا صلی الله علیه و آله،
تمام آنچه را که به نام اسلام بر دنیا حاکم است از بین
خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرموده قرآن^(۲) با نرمی و عدم خشونت،
ماقبل خود را بی اعتبار کردند. این سیره پیامبر با همه مردم بود و
حتی با کافران هم این گونه رفتار می‌کردند و این رفتار ایشان
اختصاص به مسلمانها نداشت. امام زمان عجل الله فرجه نیز درباره
کافران همان سیره را به کار خواهد بست؛ و پرواضح است که اگر

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، ح ۱۱۲، ط بیروت، به نقل از:

الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آیه ۱۵۹.

آنحضرت با غیر مسلمانان با لطف و مهربانی برخورد کنند، با مسلمانان به طریق اولی مهربان خواهند بود.

۲- عن ابن عباس، (عم النبي ﷺ) قال:

التاسع منهم [من أولاد الحسين عليه السلام] قائم أهل

بיתי و مهدي أمّتي، أشبه الناس بي في شمائله و

أقواله و أفعاله...^(۱)؛ مهدي عجل الله فرجه علاوه بر

اینکه شمائل و اقوالشان شبیه رسول خداست، کارهایش

نیز همانند کارهای رسول خداست.

۳- علامه مجلسی^(۲) حدود یک صفحه از سخنان شیخ

طبرسی^(۳) در اعلام الوری را به عنوان تذییل این روایت آورده است

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹، ح ۱۸۷.

۲. همان.

۳. امین الدین، امین الاسلام، ابو علی فضل بن حسن بن فضل (۵۴۸ق) فقیه،

محدث، مفسر و لغوی امامی، معروف به شیخ طبرسی، از برجسته‌ترین علمای شیعه در

که قسمتی از آن چنین است:

اگر درباره چگونگی حکومت حضرت ولی عصر
عجل الله فرجه سؤال شود که آیا با شدت و عُنْف خواهد
بود؟ باید گفت: [هرگز حکومت آنحضرت با شدت و
عُنْف نخواهد بود] و فرضاً هم اگر در این مورد روایتی نقل
شده باشد، قابل اعتماد نیست و روایت صحیحی وجود
ندارد که آن حضرت با شدت و عُنْف رفتار خواهند کرد.
طبرسی که از حدیث شناسان معروف و خبیره فن بوده است،
تمام روایاتی را که در این باب وارد شده، با جمله «إن کان...» زیر
سؤال برده و می گوید: اگر روایتی در این زمینه (اعمال خشونت در
حکومت حضرت) رسیده باشد، نه مدلولش معتبر است و نه
حجیت دارد.

قرن ششم هجری که خود و پسرش حسن بن فضل صاحب مکارم الاخلاق و

نوه اش علی بن حسن صاحب کتاب مشکاة الانوار همگی از علمای بزرگ هستند. ر.ک:

۴- در بحارالانوار، روایتی از کتاب کافی با این عبارت

نقل شده است:

کلینی، عن العدة، عن البرقي، عن ابيه، عن محمد بن

یحیی الخزاز، عن حماد بن عثمان، عن الصادق علیه السلام: انّ

قائماً أهل البيت إذا قام لبس ثياب عليّ و سار

بسيرة أمير المؤمنين علي علیه السلام ^(۱)؛

هنگامی که حضرت مهدی ظهور کند لباسی همچون

جامه‌های علی علیه السلام بر تن می‌کند و دقیقاً به سیره

امیرالمؤمنین علیه السلام عمل خواهد کرد.

سند این روایت صحیح و هیچ شک و شبهه‌ای در آن نیست؛

چرا که راویانش یکی از دیگری بهترند و متن آن نیز موافق سیره

معصومین علیهم السلام است.

مدلول این روایات آن است که چون حضرت مهدی ظهور کند،

۱. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۵۴؛ کافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

عموم مردم، از خرد و کلان و پیر و جوان به او عشق می‌ورزند و از صمیم قلب دوستش دارند. از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود:

شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که...
وساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی
او خوشنودند. (۱)

همچنین از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

شما را به مهدی عجل الله فرجه بشارت می‌دهم که به
سوی مردم برانگیخته می‌شود... وساکنان زمین و آسمان
از او خوشنود می‌گردند. (۲)

نیز در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است:

مردی از امت من قیام می‌کند که مردم زمین و آسمان

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۴۴؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷.

۲. ~~مسند الشیخ~~، ج ۱، ص ۳۴.

اورا دوست دارند. (۱)

و از حضرت علی علیه السلام نیز نقل شده است که فرموده‌اند:
 چون مردی از فرزندانم ظهور کند، چنان گشایشی در
 کار مردم ایجاد می‌شود، که حتی مُردگان به دیدار یکدیگر
 می‌روند و ظهورش را به هم مزده می‌دهند. (۲)

تعارض روایات

در جمع بین روایات متعارض، خود ائمه علیهم السلام توصیه‌های لازم
 را فرموده‌اند. البته دو روایت مخالف، وقتی با هم در تعارض قرار
 می‌گیرند که شروط لازم را در باب تعارض داشته باشند، به این
 صورت که اولاً، سند هر دو معتبر باشد، نه آنکه یک طرف محمد
 علی کوفی دروغگو باشد و طرف دیگر علی بن ابراهیم و محمد بن

۱. احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۶۳.

۲. کمال الدین، صدوق، ج ۲، ص ۶۵۳ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

مسلم، که از ثقات و معتمدین ائمه علیهم السلام هستند.

مقایسه بین این دو، عقلاً و شرعاً جایز نیست. پس در همین مرحله اول که بحث سند باشد مشکل داریم، زیرا روایاتی که از محمد بن علی کوفی نقل شده، امام زمان را - العیاذ بالله - یک آدم‌گش معرفی می‌کند، که در زمان او هرج و مرج خواهد بود. و این در حالی است که فقها می‌گویند: حتی احکام شرعی، اگر باعث هرج و مرج شوند ساقط می‌گردند و دیگر واجب نخواهند بود. در چنین صورتی آیا امام زمان عجل الله فرجه که خودشان صاحب این دین و احکام آن هستند، باعث هرج و مرج خواهند بود؟!

پس در همین مرحله اول، بحث تعارض منتفی است، چرا که یک آدم دروغگو نمی‌تواند معارض بزرگان حدیث و ثقات باشد. از این مرحله که بگذریم بر فرض صحت سند، نوبت به ملاحظه تراجیح بین دو روایت متعارض می‌رسد؛ در این مرحله باید آنها را با روایات صحیح دیگر و سنت و سیره و کتاب (قرآن)،

مقایسه کرد و هر کدام موافق آنها بود، معتبر است. از این جهت نیز روایاتی که تشابه سیره امام زمان عجل الله فرجه با سیره امیر مؤمنان علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می کند دارای رجحان هستند، چرا که با سیره معصومین علیهم السلام سازگار است و قرائن صدق بسیار دارد.

پس از این مرحله، بر فرض آنکه هر دو مطابق کتاب و سیره باشند و به اصطلاح متکافی باشند، نوبت به دلالت و ظهور می رسد که آیا هر دو روایت از لحاظ ظهور و دلالت با هم مساوی هستند یا نه؟

در این مرحله اگر یکی از روایات متعارض، از لحاظ دلالت صریح تر بود، آن را برمی گزینیم، و در صورتی که از لحاظ دلالت نیز یکسان باشند نوبت به تساقط می رسد و هر دو روایت از اعتبار می افتند، چنان که گویی اصلاً روایتی وارد نشده است، و این، مبنای فقهی در باب تعارض روایات است.

وحدت رویه و روش امام مهدی و رسول خدا ﷺ

بنابر آنچه گفته شد سیره امام زمان عجل الله فرجه دقیقاً همان سیره و روش رسول خدا ﷺ است و حتی سیمای آن حضرت نیز مانند سیمای نورانی پیامبر اکرم ﷺ است، چنانکه روایات بسیاری از شیعه و سنی و حتی تاریخ‌نگاران مسیحی آمده است که چهره رسول خدا ﷺ به قدری جذاب بود که حتی دشمن‌ترین دشمنان آن حضرت، وقتی چشمشان به چهره منور ایشان می‌افتاد به گونه‌ای مجذوب آن حضرت می‌شدند که تمام هم و غمشان را فراموش می‌کردند. امام زمان عجل الله فرجه نیز چنین هستند.

علاوه بر تاریخ و روایات، مهمترین سندی که در خصوص سیره و سلوک رسول خدا ﷺ در دست است، قرآن کریم می‌باشد. تابلویی که قرآن کریم از چهره رسول خدا ﷺ ترسیم می‌کند چنین است:

﴿كَيْفَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا

غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^(۱)؛ به (برکت)

رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم و مهربان شدی؛

واگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو،

پراکنده می شدند.

و در جای دیگر می فرماید:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا

عَنِتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ»^(۲)؛

خدای متعال از میان شما، فردی را به رسالت فرستاد که

فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او گران است و برای

نجات و آسایش شما حرص می ورزد و خودخوری

می کند و نسبت به مؤمنان بسی دل رحم و مهربان است.

۱. آل عمران (۳)، ۱۵۹.

۲. توبه (۹)، ۱۲۸.

شفقت و محبت رسول خدا ﷺ نسبت به مردم به حدی بود که حتی عده‌ای، همین مسأله را به وسیله‌ای برای طعن زدن و آزار ایشان تبدیل کرده بودند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ
قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ
وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ...﴾^(۱)؛ بعضی از آنان
کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و به طعنه می‌گویند
او گوش (زود باور) است. بگو: گوش خوبی برای
شماست. به خدا ایمان دارد و سخن مؤمنان را تصدیق
می‌کند و رحمت است برای کسانی که ایمان آورده‌اند. و
آنها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند.

در تفسیر این آیه آمده است: چون یکی از منافقان،

رسول خدا ﷺ را به سُخره گرفت، جبرئیل نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله، فلان منافق را احضار کنید و از او بپرسید چرا این کارها را می‌کند؟

این مورد، یک استثنا بود و شاید هیچ مورد دیگری پیدا نشود که پیامبر کسی را به خاطر مسخره کردن خود احضار کرده و بازخواست نموده باشد. این مورد هم بنابر مصلحت بوده و پیامبر ﷺ دستور داشته‌اند.

پیامبر آن شخص را خواستند و از او توضیح خواستند، عرض کرد: یا رسول الله، هر کسی این حرف را زده دروغ گفته، من چنین کاری نکرده‌ام. پیامبر ﷺ چیزی فرمودند و ساکت شدند. آن منافق هم چنین برداشت کرد که رسول خدا ﷺ حرف او را باور کرده است. در صورتی که محال است پیامبر ﷺ حرف این منافق را که بر خلاف سخن خدا و جبرئیل بود باور کند، اما پیامبر ﷺ نخواست با او حتی ترش‌رویی کند. اما این شخص به جای

پندآموزی به میان مردم رفت و گفت عجب پیامبری است! جبرئیل به او می‌گوید من مسخره‌اش کرده‌ام، باور می‌کند. من می‌گویم چنین کاری نکرده‌ام، باز باور می‌کند. گویی او گوش است، یعنی هر سخنی که به او بگویند باور می‌کند.

خداوند در پاسخ به این یاوه‌سرایی‌ها، فرمود: ﴿قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾^(۱)؛ اگر هم گوش است، گوش خوبی برای شماست. این فعل و عمل رسول خداست و مهدی عجل الله فرجه شبیه‌ترین مردم به رسول خداست.

پیامبر ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ﴾^(۲) هستند، پس مهدی عجل الله فرجه نیز چنین خواهد بود، او با کافران هم به نرمی رفتار خواهد کرد تا چه رسد به مسلمانان.

۱. توبه (۹)، آیه ۶۱.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

رفتار پیامبر ﷺ و امیر المؤمنین علیؑ با مخالفان خود

یادآوری دو مطلب به عنوان شاهد سخن ضروری است. پیامبر اکرم ﷺ چندین بار، مردم نادان را دعا کرد و از خدا خواستار هدایت آنان شد؛ از جمله در أحد:

زمانی که مسلمانان، پیامبر ﷺ را در أحد تنها گذاردند و خود پی جمع‌آوری غنایم رفتند، مشرکان فرصت را غنیمت شمرده، پیامبر را محاصره کردند و با شمشیر و نیزه و سنگ و چوب، سر، دندان و شانه مبارکش را شکسته و زخمی کردند و اگر امیر المؤمنین علیؑ سر نمی‌رسید، بی‌تردید پیامبر ﷺ را کشته بودند. در این هنگام که پیامبر از چنگال مشرکان نجات یافتند، به درگاه الهی عرضه داشت:

اللهم اهد قومي فإنهم لا يعلمون^(۱)؛ بار خدایا،

قوم مرا هدایت فرما که نادانند.

مورد دیگری که پیامبر ﷺ قوم خود را دعا کرد در صفا بود. به هنگام مراسم حج، مشرکان برای بزرگداشت و تقدیس بت‌های خود در مراسم شرکت کرده بودند. چون پیامبر را دیدند که با عبارت «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا؛ بگوئید؛ خدایي جز خدای یگانه نیست تا رستگار شوید» رسالت خود را به همگان ابلاغ می‌کند، پیامبر اکرم ﷺ را سنگ‌باران کردند. بنا به نقل بحار الأنوار، سرتاپای پیامبر هدف سنگ‌های مشرکان قرار گرفت و خون از بدن مبارکش جریان یافت، به گونه‌ای که زنده بودن او را ناممکن می‌دانستند.

امیر المؤمنین و حضرت خدیجه علیها السلام را از ماجرا آگاه کردند و آن دو بزرگوار در کنار بدن رنجور و خون‌آلود پیامبر حاضر شدند و به مداوا پرداختند.

در دعوت بآمدن است؛ خدای - جل و علا - فرشته یا فرشتگانی

را نزد او فرستاد تا آنچه خواهد برآورده کند. فرشته به پیامبر عرض کرد: این کوهها که مکه را در میان گرفته است به فرمان من است، چنانچه بخواهی کوهها را به یکدیگر نزدیک کنم [تا اهل مکه را در میان خود بفشارند و از بین ببرند]. پیامبر نپذیرفت و فرمود:

إِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً، رَبِّ اهد أمتي

فإنهم لا يعلمون^(۱).

با آن که ابوجهلها و ابوسفیانها در مکه آن روز زندگی می کردند و از دشمنان سرسخت پیامبر ﷺ بودند، اما دل پاک و مهربان پیامبر ﷺ حتی راضی به نفرین آنان نیز نبود.

امیرالمؤمنین عليه السلام نیز همانند پیامبر خدا ﷺ، اما به صورتی دیگر در معرض آزار قرار داشت و همواره دشمنان او حرمت حضرتش را می شکستند و او را قاتل الأحبه (کُشندۀ عزیزان)؛

می خواندند. علیه او تظاهرات می کردند و... اما حضرتش با مهربانی و نرمی با آنان برخورد می کردند؛ و هرگز حاضر نشدند با تندی و خشونت و زندان و قتل و کشتار با آنان رفتار کنند؛ و این رفتارهای مهرآمیز با مخالفان در زمانی بود که امیرالمؤمنین علیه السلام در رأس قدرت قرار داشتند و حیات اقتصادی و اجتماعی مخالفان، در دست ایشان بود.

روایاتی در این باره

اصولاً حضرت مهدی عجل الله فرجه برای برقراری عدل، که خواسته طبیعی و فطری انسانهاست، خواهد آمد. بنابراین امکان ندارد به گونه ای رفتار نماید که مردم آرزو کنند، ای کاش او را نبینند یا به دلیل بی رحمی هایی که انجام می دهد، بگویند او از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست و ارتباطی با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد.

همچنین وقتی حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

محال است - أبدالدهر - که من از راه
 ستم بخوام به پیروزی دست پیدا کنم و
 به وسیله جور در طلب نصرت برآیم.^(۱)

یقیناً حضرت مهدی عجل الله فرجه نیز از همین روش پیروی
 خواهند کرد، و امکان ندارد که از راه ستم بخوانند حکومت بر
 مردم را به دست بگیرند.

در تأیید این مطلب به ذکر چند روایت اکتفا می‌کنیم:

روایت اول:

صحیحه حماد بن عثمان است که کلینی از برقی، از پدرش از
 محمد بن یحیی خزاز، از حماد بن عثمان، از امام صادق علیه السلام روایت
 کرده است که فرمود:

أَنْ قَائِمْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا قَامَ لِبَسِ ثِيَابَ عَلِيٍّ وَ

سار بسیره [أمیر المؤمنین] علی علیه السلام؛ چون قائم ما
قیام کند، لباس هایی مثل لباس علی علیه السلام بر تن خواهد کرد
و روش او را در پیش خواهد گرفت. (۱)

روایت دوم:

صحیحة محمد بن مسلم است که شیخ طوسی در تهذیب، از
شیخ مفید، از شیخ صدوق، از صفار، از محمد بن ابی الخطاب (که
در ثقه بودنش تردیدی نیست)، از جعفر بن بشیر، از محمد بن
مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که می گوید: از ابو جعفر
(باقر) علیه السلام درباره «قائم» پرسیدم و گفتم:

إذا قام القائم بأي سيرة يسير في الناس؟

فقال: بسيرة ما سار به رسول الله صلى الله عليه وآله حتى

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱؛ وسائل الشیعة، کتاب الجهاد، ابواب جهاد العدو،

۲. ~~۱۳۸۰~~ (مجله نقل از کافی)؛ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۳۶.

يُظْهِرُ الْإِسْلَامَ [او يُظْهِرُ الْإِسْلَامَ] ^(۱)؛ هنگامی که قائم
 قیام کند، با چه روشی در میان مردم عمل خواهد کرد؟
 حضرت فرمودند: با همان شیوه‌ای که پیامبر ﷺ در
 پیش گرفت در میان مردم عمل خواهد کرد، تا اسلام
 فراگیر و غالب شود.

روایت سوم:

این روایت را شیخ مفید نقل کرده است. از آنجا که شیخ مفید از
 نظر زمانی، به دوران معصومین علیهم‌السلام نزدیک بوده روایاتش را از
 کتاب‌های اصحاب ائمه نقل کرده است. او در نقل روایات، گاهی
 «رَوَى» گفته و مستقیماً به اصحاب ائمه علیهم‌السلام نسبت می‌دهد، این در
 جایی است که روایت را از کتب آنها به نام «اصول اربعمأة» که در
 اختیار اصحاب بوده نقل کرده؛ و گاهی «رَوَى» آورده، که نشان

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

می دهد نقل مستقیم نبوده است.

یکی از این راویان «مفضل بن عمر» است که وثاقت او مورد اختلاف قرار گرفته است. البته شماری از علمای علم رجال، روایاتی را که در مذمت او آمده را برای حفظ جان او دانسته اند، چنان که در مورد «زراره» نیز چنین روایاتی آمده است. در هر حال به تبعیت از مشهور، «مفضل» ثقه و مورد وثوق است و بسیاری از فقها نیز به او اعتماد کرده اند^(۱).

شیخ مفید از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، و همچنین بسند دیگری از ابن ابی عمر، از جمیل بن دراج، از میسر بن عبدالعزیز از امام صادق علیه السلام که فرمود:

إِذَا أذَّنَ اللَّهُ - عَزَّ إِسْمُهُ - لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ صَعِدَ

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۶؛ رجال کشی، ص ۲۴۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۳،

المنبر فدعا الناس إلى نفسه و ناشدهم بالله ودعاهم إلى حقه و أن يسير فيهم بسيرة رسول الله ﷺ و يعمل فيهم بعمله...^(۱)؛ آن گاه که خدا به قائم اجازه خروج بدهد، بر فراز منبر شده، مردم را به سوی خود فرامی خواند و به خدا سوگندشان می دهد و سیره جدش رسول خدا ﷺ را در پیش گیرد و همانند او عمل کند.

همچنین تعریف روشنی از رفتار امام زمان عجل الله فرجه در یکی از زیارات ایشان که سید بن طاوس آن را نقل کرده آمده است:

السلام على الحق الجديد... و الصادع بالحكمة و الموعظة الحسنة والصدق؛^(۲) سلام بر حق جدید... آن آشکارکننده حکمت و پند دهنده به موعظه نیکو و

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ معجم أحاديث الإمام المهدي (عج)، ج ۳، ص ۴۹۲.

۲. مصباح الزائر، کفعمی، ص ۴۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

راستی و درستی.

بی تردید اگر انسان این عبارت را بدون در نظر گرفتن ابتدا و پایان آن، در جای دیگری ببیند، می‌پندارد که سخن درباره رسول خداست، زیرا بارها با همین تعبیر از پیامبر ﷺ یاد شده است. در توصیفی دیگر که از حکومت او شده، آمده است:

یسیر بسیره جده رسول الله ﷺ و یسیر بسیره
امیرالمؤمنین بالمن و الکف...؛ بالطف و گذشت و
دست برگرفتن از خشونت، سیره رسول خدا ﷺ و
امیرالمؤمنین را در پیش خواهد گرفت.

در واقع ایشان در عصر ظهور با عفو و رحمت کامل با مردم رفتار خواهند کرد، آن‌سان که پیامبر ﷺ در برابر دشمنان قریشی خود عمل کرد، و آن‌گونه که امیرالمؤمنین علیؑ با سپاه جمل رفتار نمود.

سیره سیاسی امام مهدی عجل الله فرجه

یکی از ویژگی‌های امام مهدی عجل الله فرجه آن است که او موفق می‌شود قدرت سیاسی جهان را در دست بگیرد و حکومتی به پهنای تمام کره زمین تشکیل دهد. تحقق این امر نیازمند اخلاقیات و روش‌های اجرایی خاص خود است که لاجرم باید از طریق کارگزاران سطوح بالای حکومتی به منصفه ظهور برسد. بر این اساس امام مهدی عجل الله فرجه در اولین گام، تلاش خواهد کرد کسانی را در مصدر امور قرار دهد که به لحاظ ویژگی‌های شخصی و مدیریتی، انسان‌هایی توانمند و خودساخته باشند و در اجرای تعهدات خویش دست از پا خطا نکنند، و در صورت خطا، مورد توبیخ و بازخواست قرار بگیرند. با چنین رویکردی

امام مهدی عجل الله فرجه به همان اندازه که نسبت به مردم و مسکینان، دل رحم و مهربان است، بر مسئولان و کارگزاران حکومتی خود فوق العاده سخت گیر و حساس است:

المهدي جواد بالمال، رحيم بالمساكين، شديد
على العمال^(۱)؛ مهدی نسبت به مال و دارایی بخشنده،
نسبت به ناتوانان و مستمندان بسیار مهربان و دل رحم و
نسبت به مسئولان و کارگزاران دولت خود، بسیار
سخت گیر خواهد بود.

حضرت علی عليه السلام در حدیثی در این مورد می فرماید:

ألا و في غد - و سیأتي غد بما لاتعرفون -
ياخذ الوالي من غيرها عمالها علی مساوی

أعمالها...^(۱)؛ آگاه باشید که فردا روزی که او ظهور کند -
 فردایی که بر شما ناشناخته است - بر خلاف دیگر
 حاکمان، مسئولان و کارگزاران خود را به جرم کردار
 زشتشان کیفر خواهد داد و آنان را نسبت به سوء
 رفتارهایشان مورد بازخواست قرار می دهد.

البته ایشان خود پیش از همه و بیش از همه بر خود سخت
 می گیرد و علی رغم آنکه عموم مردم در سایه حکومت آن حضرت
 به رفاه و راحتی دست می یابند، همانند جدشان امیرالمؤمنین علیه السلام به
 پوشاکی خشن و خوراکی نه چندان گوارا، اکتفا می کنند:

وما لباس القائم إلا الغليظ و ما طعامه
 إلا الجشب^(۲)؛ به خدا سوگند که لباس مهدی پوشاکی
 خشن و خوراک او غذایی سخت و بی خورش است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۳۵۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

حضرت علی علیه السلام در حدیثی دیگر به بیان نوع روابط امام مهدی عجل الله فرجه و کارگزارانش پرداخته و آن را یک عهد و پیمان دو جانبه ارزیابی نموده و فرموده‌اند: ایشان پس از آن که سه مرتبه کارگزارانش را می‌آزماید تا از میزان اطاعتشان آگاهی یابد، به مدینه می‌روند و به قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ملحق می‌شوند، پس یارانش هم به دنبال او رهسپار مدینه می‌گردند، اما امام مهدی عجل الله فرجه همین که حضورشان را در مدینه احساس می‌کنند، آهنگ مکه می‌نمایند و این کار را سه بار تکرار می‌کنند، سپس در میان صفا و مروه می‌ایستند و رو به آنان می‌گویند: من تصمیم بر هیچ کاری نمی‌گیرم، مگر آن که مطمئن شوم که شما این سی شرط را رعایت می‌کنید و از هیچ یک از آنها سرباز نمی‌زنید، و متقابلاً من نیز متعهد می‌شوم که نسبت به شما این شرایط را رعایت کنم. آنان می‌گویند بفرما و بگو آنچه را می‌خواهی، همه را می‌پذیریم و از ~~شرایط دیگری می‌کنیم~~، آن‌گاه امام شرایط بیعت خویش با آنان را

به شرح زیر بیان می‌کنند:

از من رو مگردانید، دزدی و زنا نکنید، گِرد کارهای حرام و فساد و فحشا نگردید، احدی را به ناحق نکشید، طلا و نقره نیندوزید، گندم و جو احتکار نکنید، مسجدی را ویران نسازید، شهادت به ناحق ندهید، مؤمنی را خوار و بی‌مقدار ننمایید، ربا نخورید، در مقابل بلا یا و مشکلات صبور باشید، هیچ فرد موحدی را لعنت نکنید، مسکرات نیاشامید، طلا و حریر و دیبا نپوشید، راه را بر کسی نبندید، راه را نا امن نکنید، خون حرامی را نریزید، به مسلمان نیرنگ و نارو نزنید، هیچ کافر و یا منافقی را مُثله نکنید، گِرد همجنس‌بازی نگرایید، لباس‌های ابریشمی نپوشید، و خاک را بالِشت خویش قرار دهید، زشتی‌های اخلاقی را ناخوش دارید، امر به معروف کرده و از منکر نهی نمایید.

در مقابل، من نیز پیمان می‌بندم که از غیر شما یار نگیرم، جز به مانند لباس و غذای شما نپوشم و نخورم، بر مرکبی همانند مرکب

شما سوار شوم، در سفر و حضر همراه شما باشم، به اندک رضایت
دهم، زمین را سرشار از عدل و داد سازم، آن سان که سرریز از ظلم
و ستم گشته است، خدا را چنان عبادت کنم که شایسته اوست و به
عهدی که با شما دارم وفا می‌کنم، و شما هم به عهد خود با
من وفا کنید.

پس یاران او می‌گویند باشد و با شما بیعت می‌کنیم که اینگونه
باشیم، و به دنبال آن امام مهدی عجل الله فرجه از تک‌تک آنان
بیعت می‌گیرد^(۱).

سیره قضایی حضرت مهدی عجل الله فرجه

یکی دیگر از مسائلی که در مورد امام زمان عجل الله فرجه مطرح است، مسئله چگونگی قضاوت آن حضرت می باشد.

بعضی معتقدند که یکی از ویژگیهای امام زمان عجل الله فرجه آن است که آن حضرت در مورد قضاوت، بدون درخواست شاهد و بیّنه از طرفین دعوا، و تنها بر اساس علم خویش حکم صادر خواهند کرد.

اینان برای مدعای خویش دلایلی را هم می آورند که از جمله آن دلایل، احادیثی است که در این زمینه وجود دارد، و مدلول آنها این است که حضرت مهدی عجل الله فرجه بر طبق علم خود و به سان حضرت داوود علیه السلام به حل دعاوی و رفع اختلافات می پردازند.

یک نمونه از این روایات به شرح زیر است:

عبدالله بن عجلان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: اذا قام قائم آل محمد علیه السلام حکم بین الناس بحکم داود، لا یسحتاج الی بسینة، یسلهم الله فیحکم بعلمه^(۱)؛

چون قائم آل محمد قیام کند، همچون داوود نبی، به قضاوت در میان مردم می‌پردازد و به دلیل و برهان نیاز ندارد. خدا حقیقت را به او الهام می‌نماید و او بر حسب علم خویش حکم می‌دهد.

اما این روایت از دو جهت اشکال دارد، زیرا بر طبق روایتی که در کتاب کافی شریف آمده است:

اولاً تنها یک مرتبه حضرت داوود در مقام قضاوت بر طبق علم خود عمل کردند، که آن هم دچار مشکل شدند و پس از آن به

دستور خدا، همواره از متخاصمین درخواست شاهد و دلیل می‌کردند و بر اساس بیّنه و سوگند به صدور حکم می‌پرداختند^(۱).

و ثانیاً این روش با شیوه قضایی رسول خدا ﷺ منافات دارد. زیرا رسول خدا ﷺ همواره می‌فرمودند:

إِنَّمَا أَقْضَى بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْأَيْمَانِ...؛ من تنها

بر اساس سوگند و اقامه شواهد و گواه در میان شما به

داوری می‌پردازم. بنابراین اگر در موردی حکم صادر

کردم که مثلاً فلان زمین از آن فلان شخص است ولی در

واقع این گونه نباشد، او حق تصرف در آن را ندارد و حکم

من او را مالک زمین نمی‌کند^(۲).

بنابراین با توجه به این که حضرت مهدی عجل الله فرجه

۱. کافی، کلینی، ج ۷، ص ۴۱۴، ح ۳.

۲. فایما رجلٍ قَطَعَتْ لَهُ مِنْ مَالِ أَحِيهِ شَيْئاً فَأَنَّمَا قَطَعْتَ لَهُ مِنْ النَّارِ،

کافی، ج ۷، ص ۴۱۴، ح ۱.

شبهه‌ترین مردم به رسول خدا ﷺ است و ظهورش برای اجرای شریعت و احیای سنت اوست، قابل قبول نیست که روشی غیر از روش رسول خدا ﷺ اتخاذ نماید و بدون طلب دلیل و شاهد به قضاوت میان مردم پردازد.

وانگهی در روایات معتبر و مستفیض آمده است: یحکم بحکم داود بالبینه و الیمین؛ او به مانند داوری داود علیہ السلام براساس گواه و سوگند داوری خواهد کرد.

حضرت داود علیہ السلام از خدا فرمان یافت تا به حق داوری کند. این فرمان را قرآن کریم اینگونه بیان کرده است:

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ...﴾^(۱)؛ ای داوود، ما تو را جانشین خود در زمین قرار دادیم، پس براساس حق داوری کن.

حضرت داود علیہ السلام به درگاه خدا عرضه داشت (قریب به

این مضمون): بار خدایا، فرد دروغگو می‌داند که به ناحق ادعای مالکیت خانه دارد و صاحب حق می‌داند راست می‌گویی و حق از آن اوست، تکلیف چیست؟

خطاب رسید: **إِقْضُ بَيْنَهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَضْفِهِمْ إِلَىٰ إِسْمِي** **يَحْلِفُونَ بِهِ^(۱)**؛ از آنان گواه بخواه و به نام من سوگندشان ده... می‌بینیم که داوود عليه السلام مأمور است تا براساس ظواهر دآوری کند و البته هرکسی ناحق خواه باشد، بی‌تردید عذاب خدا در انتظار اوست.

شیخ مفید رحمته الله روایتی نقل می‌کند که در آن بیان شده است که حضرت مهدی عجل الله فرجه طبق روش حضرت داوود و حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم بین مردم قضاوت خواهند کرد؛ و چنانکه گفته شد، پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فقط با بیّنه و قسم بین مردم قضاوت می‌کردند و این تقارب بین چگونگی قضاوت داوود و پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم بر این

دلالت دارد که روش حضرت داوود در قضاوت نیز اینگونه بوده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ
الْجورَ وَأَمَّنْتَ بِهِ السُّبُلَ وَأَخْرَجْتَ الْأَرْضَ بَرَكَاتِهَا
و...، وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَحَكَمَ
مُحَمَّدٌ ﷺ...؛ آنگاه که «قائم» قیام کند، به عدالت
داوری کند، و در زمان او ظلم و ستم از بین می‌رود و راه‌ها
را امن می‌کند و زمین برکات خود را عرضه می‌دارد. او
(قائم) مانند قضاوت و داوری حضرت داوود و حضرت
محمد ﷺ در میان مردم قضاوت خواهد کرد^(۱).

البته در مواردی معصومین علیهم‌السلام براساس واقع عمل کرده‌اند، اما
باید توجه داشت که سیره جاری آنان بر این نبوده است.



* لازم به ذکر است که حضرت آیه الله العظمی سید صادق شیرازی این موضوع (اسلوب حکومتی امام زمان عجل الله فرجه) را در چند جلسه در جمع علما و طلاب محترم حوزه علمیه قم، به تفصیل مورد بحث و بررسی علمی قرار داده‌اند، و بیش از دهها روایت در چهار موضوع: ۱- ظهور امام زمان عجل الله فرجه و چگونگی تشکیل حکومت (اعم از روایات صحیح و غیر صحیح)؛ ۲- اسلوب حکومت داری حضرت؛ ۳- کارگزاران حضرت؛ ۴- شیوه قضائی آن حضرت؛ را به طور مبسوط از جهات مختلف بحث حجّیت روایات، (علم الحدیث، رجال و درایة) بررسی کرده‌اند و همچنین به سؤالات و شبهاتی که ممکن است پیرامون این نظر مطرح شود، مشروحاً پاسخ گفته‌اند؛ ولی متأسفانه به علت ضبط نشدن تمامی سخنرانی‌های معظم‌له، ناچار به نشر این مقدار مختصر اکتفا کردیم.

نامه‌ای از امام زمان (عج)

به شیخ مفید (ره)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شیخ مفید

شیخ محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، معروف به شیخ مفید از عالمان بزرگ شیعی در قرن چهارم و اوائل قرن پنجم بود. وی در سال ۳۳۶ هجری قمری زاده شد و در رمضان ۴۱۳ ه.ق از دنیا رفت. پدر شیخ مفید معلم بود و در منطقه تل عکبری (ده فرسخی بغداد) تدریس می‌کرد و به همین دلیل به او «ابن المعلم» هم می‌گفته‌اند. بعدها پدرش او را به بغداد برد تا درس بخواند و کم‌کم به جایی رسید که حتی بزرگان علمای اهل سنت در مجلس درس شیخ حاضر می‌شدند؛ و همچنین از جهات معنوی و تقوا و زهد،

هم به مراتب بسیار بالا و والاثنی رسید.

یکی از علمای سنی که خیلی هم با شیخ مفید بد است می گوید:

با وجود اینکه شیخ در موقعیتی قرار گرفته بود که

پادشاهان و بازرگانان و شخصیت های مختلف در برابرش

تواضع می کردند و به دیدار او می شتافتند، با این حال

همیشه لباس خشن بر تن داشت.

معروف است که می گویند جمله فعلیه ظهور در استمرار دارد،

یعنی این گونه نبوده است که یک بار و دو بار و یا برای ظاهرسازی

لباس خشن بپوشد، بلکه همیشه اینگونه بوده است.

یافعی^(۱) صاحب کتاب مرآة الجنان^(۲)، که مطالب نادرست

۱. عبدالله بن اسعد یافعی (۶۹۸-۷۶۸ ق) از مشایخ صوفیه که شافعی مذهب بوده

است (ریحانة الأدب، ج ۶، ص ۳۸۶-۳۸۷).

۲. مرآة الجنان و عبرة اليقظان فی معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان و تقلب

الجنان، که به تاریخ یافعی معروف است.

بسیاری در آن آمده است، و شاید بد نباشد نمونه‌ای از آن مطالب را عرض کنم:

شیعیان به کربلا «حائر» نیز می‌گویند چون زمانی که به قبر سیدالشهداء علیه السلام آب بسته شد تا آن را از بین ببرند، آب تا نزدیکی قبر مطهر سیدالشهداء علیه السلام پیش آمد اما نزدیک مرقد شریف که رسید، دیگر پیش نرفت و مسیر خود را عوض نمود، به همین خاطر می‌گویند، حار الماء، آب در مقابل حرم سیدالشهداء متحیر شد و جلو نرفت.

یافعی در کتاب خود ضمن نقل این قضیه، شیعیان را به باد استهزاء گرفته، می‌گوید: مگر آب هم مانند انسانها تکلیف دارد، یا آنکه ملائکه است که درک داشته باشد.

اما همین یافعی وقتی به احمد بن حنبل ^(۱) می‌رسد می‌گوید:
در سالی دجله طغیان کرد و تمام خانه‌ها را آب

۱. احمد بن حنبل، رئیس فرقه «حنبلی» از فِرَق چهارگانه اهل سنت است.

گرفت، همین که آب به قبر احمد بن حنبل رسید پس رفت و نزدیک قبر نشد؛ و بعدها دیدند حصیری که در کنار قبر اوست، هنوز گرد و خاک دارد و حتی مرطوب هم نشده است.

به نظر او زمانی که موضوع به امام حسین علیه السلام ارتباط دارد، آب بی عقل است، اما برای احمد بن حنبل، آب عاقل می شود. یافعی با روا داشتن این همه شماتت نسبت به شیعه، شیخ مفید را مدح کرده است.

پس از رحلت شیخ، عده‌ای از علمای اهل سنت گفتند:

أراحنا الله منه؛ خدا ما را از دست او راحت کرد.

حتی یکی از آنها به مناسبت وفات شیخ در و دیوار خانه‌اش را آزین بست و جشن گرفت. اما در عین حال، با آنکه بیشتر اهل بغداد شیعه نبودند، تشییع جنازه بسیار باشکوهی برای ایشان برگزار کردند، که بنا بر نقل مورخین، تا آن زمان بی نظیر بود.

مقام شیخ مفید نزد امام زمان عجل الله فرجه

مقام و منزلت شیخ به حدی است که ولی عصر عجل الله فرجه در

مصیبت وفات او می فرمایند:

لا صَوْتِ النَّاعِي بِفَقْدِكَ أَنَّهُ

يَوْمَ عَلِيٍّ آلِ الرَّسُولِ عَظِيمِ

مباد که ندای مرگ تو را سر دهند؛

آن روز [مصیبت فوت] روزی گران بر آل رسول است^(۱).

۱. در جلد ۵۳، بحار الانوار، ص ۲۵۶ چنین آمده است:

الحکایة الخامسة والعشرون:

قال السيد القاضي نور الله الشوشتری (۹۵۶-۱۰۱۹ ق) فی مجالس المؤمنین، ما معناه

أنه وجد هذه الأبيات بخط صاحب الأمر مكتوباً على قبر الشيخ المفيد رحمته الله:

لاصَوْتِ النَّاعِي بِفَقْدِكَ أَنَّهُ يَوْمَ عَلِيٍّ آلِ الرَّسُولِ عَظِيمِ

إن كنت قد غيبت في جدث الثرى فالعدل والتوحيد فيك مقيم

والتقائم المهدي يفرح كلما تليت عليك من الدروس علوم

[مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۷۷]

چه افتخاری برای او بالاتر از اینکه حضرت مهدی عجل الله فرجه

خطاب به او بفرمایند:

سلام عليك أيها العبد الصالح

الناصر للحق الداعي اليه بكلمة

الصدق؛^(۱) سلام بر تو ای بنده صالح خدا؛

یاری کننده حق و دعوت کننده به سوی

او به راستی و به دور از هر کژی.

باز در فرازی از نامه دیگری که از جانب حضرت به دست شیخ

مفید رسیده، آمده است:

أدام الله توفيقك لنصرة الحق و أجزل

مثوبتك على نطقك عنا بالصدق...

سلام عليك أيها المولى المخلص في الدين

المخصوص فینا بالیقین^(۱)؛

خدا توفیق تو را در یاری حق فزونی بخشید و برای
سخنان راست که درباره ما می‌گویی پاداشت را افزون
گرداند.

در ادامه می‌فرمایند:

سلام عليك أيها المولى المخلص فى الدين
المخصوص فینا بالیقین؛

سلام بر تو ای یار مخلص در دین و ای کسی که با یقین
نسبت به ما [نزد ما] ویژگی یافته‌ای.

هر کدام از این کلمات جای بحث مفصلی دارد. امام زمان
عجل الله فرجه برای هیچ‌کس غیر از شیخ مفید این گونه شهادت به
اخلاص نداده‌اند. حضرت به شیخ مفید می‌فرمایند:

۱. الإحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴، باب ما

شیخ مفید و دریافت نامه امام زمان عجل الله فرجه ❖ ۷۵

راه را خوب آمده‌ای، ادامه بده و هر چه از ما روایت کردی راست گفتی، خداوند ثواب تو را به خاطر گفته‌هایت افزون کند.

یک وقت شخصی عادی شهادت به صالح بودن شخص دیگر می‌دهد و یک وقت امام معصوم چنین شهادتی می‌دهند. ارزش این سخن از ارزش تمام دنیا بیشتر است؛ چرا که دنیا تمام می‌شود، اما این ارزش تمام‌شدنی نیست. شیخ مفید هزار سال است که از دنیا رفته، اما روز به روز زنده‌تر می‌شود.

شیخ مفید و دریافت نامه امام زمان عجل الله فرجه

امام زمان عجل الله فرجه در ایام غیبت صغری و همچنین در غیبت کبری نامه‌ها و توقیعات بسیاری برای شیعیان و بزرگان شیعه نوشته‌اند. همچنین آن حضرت نامه‌هایی به نمایندگانشان می‌نوشتند و گاهی به بعضی از افراد جواب می‌نوشتند، که متأسفانه ~~فقط تعداد کمی از آنها به دست ما رسیده است.~~

شیخ مفید بعد از پایان غیبت صغری و در دوران غیبت کبری به دنیا آمده است. غیبت صغری در سال ۳۲۷ یا ۳۲۹ ق. به پایان رسید و شیخ مفید در سال ۳۳۶ یا ۳۳۷ ق. به دنیا آمد. او هیچ وقت نامه‌ای به امام زمان ننوشت، اما در این مورد خود حضرت عجل الله فرجه به شیخ مفید نامه‌ای مرقوم فرموده‌اند، آن هم نامه‌ای به این تفصیل؛ نامه‌ای که از آن چنین برداشت می‌شود که امام عجل الله فرجه مایل به صحبت با شیخ مفید هستند. بنابر آنچه که نقل شده، امام زمان سه نامه به شیخ مفید نوشته‌اند که دو تای آن در دست است و گویا نامه سوم، ظاهراً در جریان سوزاندن کتابخانه‌ها از بین رفته است.

سید بحر العلوم^(۱) ضمن طرح این بحث که شیخ مفید خود، امام

۱. سید محمد مهدی بن مرتضی بحر العلوم (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲ ق) از شاگردان شیخ

یوسف بحرانی، سید حسین قزوینی و آقا محمد باقر هزار جریبی، در پنجاه و هفت

سالگی دار دنیا را وداع گفت و پیکرش در مجاورت شیخ طوسی در نجف اشرف به خاک

سپرده شد. (ریحانة الأدب، ج ۱، ص ۲۳۴ - ۲۳۵)

زمان عجل الله فرجه را ندیده و در آن زمان هم نائبی [از نواب خاص] نبوده که این نامه از طریق او به دست شیخ برسد، پس این نامه چگونه به دست شیخ رسیده است؟ می‌گوید:

چون که زمان دریافت نامه مصادف با غیبت کبری بوده و بنا نبوده در این ایام کسی به عنوان واسطه و نایب خاص، خدمت امام زمان برسد و آن کسی که نامه را به شیخ داده نیز، نگفته است که امام زمان این نامه را به من داده است؛ با تمام این اوضاع و احوال مقام و منزلت شیخ مفید باعث گردید که این استثناء درباره او صورت پذیرد.

نامه امام زمان عجل الله فرجه به شیخ مفید

بنابر آنچه که در احتجاج مرحوم طبرسی نقل شده در ماه صفر سال ۴۱۰ ق. شیخ مفید نامه‌ای از ناحیه امام زمان عجل الله فرجه دریافت می‌کند که در قسمتی از آن آمده است:

لنلغیر مهملین لمراعاتکم و لاناسین لذکرکم و

لو لا ذلك لنزل بكم البلاء...^(۱)؛

ما نسبت به شما بی توجه نیستیم و شما را فراموش

نمی‌کنیم، و اگر این چنین بود بر شما بلا نازل می‌گردید.

امام زمان عجل الله فرجه در این فراز از نامه خویش به

شیخ مفید^(۲) می‌فرمایند:

ما نسبت به شما اهمال نمی‌کنیم.

باید دانست که بین اهمال و ترک، فرق است. معنای ترک، اعمّ از

اهمال است. امام فرموده‌اند: اهمال نمی‌کنیم؛ یعنی اگر در نظر

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷-۴۹۸.

۲. محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید و ابن المعلم (۳۳۶-۴۱۳ ق)

فقیه، متکلم و محدث بزرگ امامی از شاگردان ابن قولویه، شیخ صدوق و ابو غالب

رازی است و شاگردان بسیاری همچون سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی، و

سلاربن عبدالعزیز دیلمی را تربیت کرده است. شیخ مفید بسیار حاضر جواب بوده و

مناظره او با قاضی عبدالجبار معتزلی معروف است. ریحانة الأدب، ج ۵، ص ۳۶۱-۳۶۵؛

الأعلام زرکلی، ج ۷، ص ۲۱.

نداشتیم، اهمال از ما نبوده، بلکه از جانب خود شماست.

در جمله دوم: «و لا ناسین لذکرکم» نسیان را به صورت عام و

مطلق نفی می‌کنند، به این معنا که همیشه و در هر جا به یاد همه شما

هستیم، که اگر چنین نبود بر شما بلا نازل می‌شد.

امام زمان عجل الله فرجه، امام زنده ماست، هر چند که ما بر این

اعتقادیم که حضور و عدم حضور، زنده و میت امام معصوم هیچ

فرقی نمی‌کند، لذا در زیارت‌نامه‌ها می‌خوانیم:

أشهد أنك تسمع كلامي و تشهد مقامي و

ترد سلامي^(۱)؛

شهادت می‌دهم که مرا می‌بینید و صدای مرا

می‌شنوید، و جواب سلام مرا می‌دهید.

این مسئله قطعی است و شک و شبهه‌ای در آن نیست؛ اما امروز

شیعیان به امام زمان عجل الله فرجه منتسب هستند و زمام امور به

دست ایشان است.

البته امام زمان عجل الله فرجه امام تمام هستی هستند؛ این مباحث از مباحث اصول دین است که در جای خود به تفصیل از آنها سخن رفته و ادله آنها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. معصوم علیه السلام می فرماید:

هَلَّلْنَا فَهَلَّلْتَ الْمَلَائِكَةَ، سَبَّحْنَا فَسَبَّحْتَ الْمَلَائِكَةَ،
كُنَّا مَعْلَقِينَ بِالْعَرْشِ نَسْبِیحُ وَلَمْ يَخْلُقِ اللهُ
شَيْئاً غَيْرَنَا^(۱)؛

آن زمانی که خداوند هیچ یک از مخلوقات را خلق نکرده بود ما تسبیح و تهلیل خدا را به جای می آوردیم. مرحوم علامه مجلسی روایات مربوط به این موضوع را در بحار الانوار به خوبی جمع آوری نموده و آنها را در باب اصول دین و همچنین در ابواب احوال معصومین علیهم السلام ذکر کرده است.

امیر مؤمنان علیه السلام مقتدای شیخ مفید

شیخ مفید توانسته بود با اعمال و رفتار خویش اعتماد مردم را جلب کند، تا جایی که دوست و دشمن زبان به تحسین او گشودند و اینها همه نتیجه اقتدای او به معصومین علیهم السلام است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

والله ما كذبت كذبة^(۱)؛ به خدا

سوگند که من یک دروغ هم نگفته‌ام.

این ادعا به گواهی تاریخ ثابت شده است، چرا که هیچ جا دروغی از علی علیه السلام شنیده نشد، حتی در موقعیتی که با یک دروغ کوچک می توانست سیزده سال بیشتر، بر بزرگترین حکومت روی زمین حکمرانی کند؛ چرا که عمر، برای تعیین خلیفه بعد از خودش شش نفر را تعیین کرد، که عثمان و امیر مؤمنان علیه السلام هم در بین آنها

بودند و وصیت کرد که پس از من از بین این شش نفر یکی خلیفه باشد و اگر دو نفر رأی مساوی آوردند، کسی خلیفه باشد که عبدالرحمن بن عوف به او رأی می‌دهد. پس از آن که همه رأی دادند، عبدالرحمن بن عوف ماند. او به هر کدام از آنها که رأی می‌داد، آن شخص خلیفه می‌شد.

عبدالرحمن به امیر مؤمنان علیه السلام گفت:

أبايعك على كتاب الله و سنة رسوله و سيرة الشيخين؛ با تو بیعت می‌کنم به کتاب خدا و سنت رسول او و سیره شیخین (ابوبکر و عمر).

حضرت فرمود:

کتاب خدا و سنت پیامبرش آری، اما سیره شیخین نه؛

بلکه به اجتهاد و رأی خود عمل می‌کنم.

سپس عبدالرحمن، همین مطلب را به عثمان گفت، و عثمان سیره شیخین را پذیرفت و خلیفه شد. که البته بعدها به هیچ کدام عمل نکرد و به دست مسلمانان کشته شد.

امیر مؤمنان علیه السلام حتی حاضر نشد یک کلمه بر خلاف عقیده‌اش و به دروغ بر زبان آورد، و همین کار، سیزده سال دیگر او را از خلافت دور کرد.

بسیاری به حضرت عرض کردند: اگر سیره شیخین را قبول نداشتی در آن لحظه آنرا می‌پذیرفتی ولی به آن عمل نمی‌کردی!
اما علی علیه السلام کسی نیست که به همین اندازه نیز از حقیقت فاصله بگیرد.

وظیفه ما

بعضی از شیعیان فقط به فکر این هستند که چگونه می‌توان خدمت امام زمان عجل الله فرجه رسید و ایشان را ملاقات نمود. ملاقات با امام زمان عجل الله فرجه یک مسئله خاصی است و البته بسیار بسیار مهم است و در کتابهای مربوطه، داستانهایی از کسانی که با آن حضرت ملاقات کرده‌اند ذکر شده است. در میان ملاقات کنندگان امام زمان عجل الله فرجه عالم و عامی، پیر و جوان،

زن و مرد دیده می‌شود.

اما آیا امام زمان از شیعیان خواسته‌اند که در زمان غیبت سعی کنند که فقط بتوانند به خدمت حضرت برسند و ایشان را ملاقات نمایند؟ یا این که وظیفه دیگری هم دارند؟

همان طور که گفته شد مهمترین وسیله تقرب به امام زمان عجل الله فرجه انجام وظیفه است. و این وظیفه همان چیزی که خدا حضرتش را به خاطر آن، مقام امامت داده است، همان چیزی که رسول خدا و بقیه ائمه علیهم‌السلام به خاطر آن آمده‌اند؛ یعنی هدایت مردم.

انجام وظیفه شیخ مفید

شیخ مفید به فکر این بود که امام زمان عجل الله فرجه از او چه می‌خواهند و آن را انجام داد و آن، هدایت مردم بود.

مرحوم آیه الله نجفی مرعشی رحمته می‌فرمودند:

شیخ مفید خود را در معرض مباحثه و مناظره قرار داده بود و مناظره‌های مختلفی با علمای تمام ادیان انجام

می داد، تا جایی که یک بار گروهی که برای مناظره با ایشان آمده بودند و برای مناظره از شیخ وقت خواستند، شیخ فرمود من وقت ندارم. گفتند: یا شیخ، ما از راه دوری آمده ایم و می خواهیم برگردیم. شیخ تأملی کرد و گفت: تنها دو ساعت قبل از اذان صبح وقت دارم و در این ساعت هر چند روز که می خواهید، می توانید بیایید. آنها نیز گفتند چاره ای نیست، روز می خوابیم و شب برای مناظره می آییم.

به راستی، آیا شیخ خواب نداشته است؟!

در احوال او نوشته اند در مجلس درس او از ابوالعلاء معری [از علمای اهل سنت] گرفته، تا حتی صوفیان شرکت می کرده اند. وی در حضور ذهن ضرب المثل خاص و عام بود و هیچ گاه در جلسه درس از کتاب، شاهد نیاورده و گاهی استدلال های لغویی که از ایشان نقل شده در هیچ کتاب لغتی یافت نمی شود. خلاصه این

که او عمر خود را نثار اهل بیت علیهم السلام و رسالت **﴿يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾**^(۱)؛
 «به سوی ما هدایت کنند» کرده بود؛ چرا که تمام روایات ائمه نیز
 پیرامون همین محور «یهدون» [هدایت به سوی حق] می چرخد.

فضل عالم بر عابد

روایتی از معاویه بن عمار نقل شده است که:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام رجل راوية لحديثكم
 يبث ذلك في الناس و يشده في قلوبهم و قلوب
 شيعتكم، و لعلّ عابداً من شيعتكم ليست له هذه
 الرواية، أيهما أفضل؟ قال: الراوية لحديثنا يشدّ به
 قلوب شيعتنا أفضل من ألف عابد؛^(۲)

به حضرت عرض کردم: آیا کسی که روایات شما را نقل

۱. انبیاء (۲۱)، آیه ۷۳.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳، باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء.

می‌کند و به وسیله آن، عقائد و قلوب شیعیان شما را محکم می‌کند برتر است، یا عابدی که از شما روایت نمی‌کند [به واسطه نقل روایات شما به هدایت مردم نمی‌پردازد]؟

حضرت فرمود: راوی احادیث ما، برتر از هزار

عابد است.

این روایت از معاویه بن عمار نقل شده، که مانند زراره و محمد بن مسلم از بزرگان اصحاب ائمه علیهم‌السلام و از ثقات است. امام زمان عجل الله فرجه از شیعیان می‌خواهند در راه هدایت مردم تلاش کنند؛ البته این کار مقدماتی دارد که حُسن معاشرت و کسب علم بسیار، از آن جمله است؛ و دیگر این که باید تصمیم گرفت که با دوست و دشمن مدارا نمود.

حالا به مناسبت میلاد حضرت ولی عصر عجل الله فرجه باید با حضرت عهد ببندیم که کم‌کم این گونه شویم؛ و از خود حضرت ~~استمداد کنیم که برای ما دعا کنند و کمکمان کنند که این گونه باشیم.~~

اساس اینها سه چیز است:

۱- انسان باید «مَن بودن» و خودخواهی و خود برتر بینی را کنار بگذارد؛

۲- تعلّم و کسب دانش بسیار؛ و می دانیم بعد از این ماه، ماه مبارک رمضان و ماه عبادت است که اعظم عبادات، تعلّم و تعلیم است؛

۳- سعی کنیم «راویة» (کسی که بسیار حدیث روایت می کند) بشویم، راویه‌ای که «یشدّ به قلوب شیعتنا» است.

امیدوارم به برکت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه خدای متعال به همه ما لطف نموده و ما را موفق به انجام این سه کار بفرماید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

